روزنامه سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی ، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول : مهدی رحمانیان
نشانی : تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر ، پلاک ۴۶
تحریریه:۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر : ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)- نظارت بر توزیع : ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی ها:۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن : ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹
نمابر : ۶۶۴۰۴۱۶۵ ،امور فنی ، آتلیه و لیتوگرافی : روزنامه شرق
چاپ: ■ افست : کیلومتر ۴ جاده آبعلی ، روبه روی خیابان سازمان آب ، تلفن : ۷۷۳۳۹۰۹۳
■ طوطی : خیابان مصطفی خمینی ، بعد از چهارراه سرچشمه ، پلاک ۶۹ ، تلفن : ۳۳۹۲۱۴۴۱
■ گلریز : جاده قدیم کرج ، فتح ۱۷ ، پلاک ۲۹ ، تلفن : ۷-۶۶۸۲۲۳۴۶

# روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۷۹۶ ■ شنبه ۱۰ تیر ۱۳۸۵ ■ ۵ جمادی الثانی ۱۴۲۷ ■ ۱ جولای ۲۰۰۶


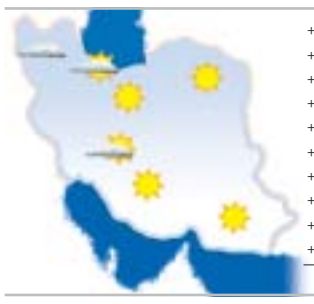

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| آبادان | +۴۴+۳۳ | بیرجند | +۳۹+۲۵ | سنندج | +۳۱+۲۵ | همدان | +۳۳+۱۳ |
| اراک | +۲۹+۱۴ | تهران | +۳۴+۲۲ | شهرکرد | +۳۲+۱۴ | یاسوج | +۳۲+۱۸ |
| اردبیل | +۲۵+۱۵ | تبریز | +۲۷+۱۴ | شیراز | +۳۵+۲۰ | یزد | +۴۰+۲۲ |
| ارومیه | +۲۹+۱۵ | خرم‌آباد | +۳۷+۱۸ | قزوین | +۲۵+۱۵ | دبی | +۴۰+۲۹ |
| اصفهان | +۳۵+۱۷ | رشت | +۲۷+۲۲ | کرمان | +۳۷+۲۳ | نجف | +۴۳+۳۰ |
| اهواز | +۴۴+۲۹ | زاهدان | +۳۹+۲۵ | کرمانشاه | +۳۶+۱۵ | مکه | +۳۹+۲۸ |
| ایلام | +۳۴+۲۳ | زنجان | +۲۵+۱۲ | کاشان | +۳۷+۱۹ | مدینه | +۴۱+۲۶ |
| بجنورد | +۳۰+۱۹ | زابل | +۴۳+۳۰ | کیش | +۳۹+۳۲ | لندن | +۲۶+۱۶ |
| بندرعباس | +۴۵+۲۷ | ساری | +۳۲+۱۵ | گرگان | +۳۴+۲۱ | پاریس | +۳۱+۱۷ |
| بوشهر | +۳۵+۳۳ | سمنان | +۳۲+۲۰ | مشهد | +۳۰+۲۰ | استانبول | +۲۹+۱۸ |

تهران : اذان ظهر ۰۷ : ۱۲ اذان مغرب ۴۵ : ۱۹ اذان صبح فردا ۰۴ : ۳

## راهنمای امروز

### تلویزیون امروز

| | | |
|---|---|---|
| سریال قلب | پنج | ۱۹ |
| کتاب چهار | چهار | ۲۰/۳۰ |
| سریال اولین شب آرامش | سه | ۲۰/۴۵ |
| سریال دنیای افسانه‌ها | دو | ۲۱ |
| سریال هشدار برای کبری ۱۱ | پنج | ۲۳ |
| سریال نقش برآب | یک | ۲۲ |

### سینمای امروز

**سوغات فرنگ**

شیدا (۷۷۸۱۵۵۷۶)، گلریز ۱ (۸۸۷۱۸۷۱۳) قیام (۶۶۴۰۸۳۲۱)، پایتخت(۸۸۳۱۲۶۳۱)، ماندانا (۷۷۴۱۰۹۸۲)، تهران۱ (۷۷۵۰۴۳۲۹)، جوان (۲۲۲۰۳۰۳۱) شهر قشنگ(۶۶۴۰۷۷۷۷)، بلوار (۸۸۹۶۵۲۹۲)، قدس (۸۸۹۰۴۵۸۵) ایران ۳ (۷۷۵۳۸۷۱۱)، دهکده المپیک (۴۴۷۱۴۰۸۵)، حافظ (۳۳۹۰۱۰۷۴) پیوند(۳۳۷۰۴۰۴۰)، پارس ۲ (۶۶۹۲۶۹۵۳) جی ۱ (۶۶۶۳۰۹۴۰)، میلاد (۳۳۷۹۸۸۷۳)

**شغال**

سعدی(۶۶۴۶۸۴۶۱)، اروپا (۳۳۹۱۳۱۷۹) مرکزی ۳ (۶۶۹۲۸۶۸۶) ، جی ۲ (۶۶۶۳۰۹۴۰) فرخ (۵۵۳۸۵۲۳۵)

**انتخاب**

آستارا (۳۳۳۴۱۶۶۸)، مرکزی ۱ (۶۶۹۲۸۶۸۶) جمهوری (۶۶۴۶۵۳۰۷)، کارون (۶۶۸۸۵۰۴۷) کانون (۸۸۷۲۸۲۶۶)

**آتش بس**

آفریقا (۸۸۹۰۵۱۷۷)، ایران ۱ (۷۷۵۳۸۷۱۱)، آسیا (۶۶۴۰۲۹۰۹)، پارس ۱(۶۶۹۲۶۹۵۳)، پیروزی (۷۷۴۳۴۵۷۰)، گلریز ۲ (۸۸۷۱۸۷۱۳)، عصر جدید۲ (۸۸۹۵۱۵۵۵)، بهمن ۲ (۶۶۴۱۸۸۰۱) سپیده (۶۶۴۱۷۶۷۰)، جوان ۲ (۲۲۲۰۳۰۳۱)، المپیا (۶۶۹۲۶۷۹۷)، ناهید (۳۳۳۵۶۸۰۹)، ملت (۳۳۱۲۴۲۱۸)، شقایق (۷۷۸۱۵۵۷۶)

## فرهنگ

### ساخت فیلم جدید بیضایی قطعی شد

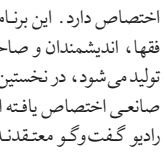

فیلم جدید بهرام بیضایی با نام «لبه پرتگاه» پروانه ساخت گرفت و این‌بار بیضایی با فاصله‌ای شش‌ساله نسبت به فیلم قبلی خود (سگ‌کشی) ساخت فیلم جدیدی را آغاز می‌کند. این در حالی است که فیلم سگ‌کشی با فاصله‌ای ۹ساله با فیلم مسافران (۱۳۷۱) ساخته شد. روز چهارشنبه جلسه شورای پروانه ساخت پس از مدت‌ها در محل اداره کل نظارت و ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار و پروانه ساخت فیلم «لبه پرتگاه» به کارگردانی «بهرام بیضایی» و تهیه‌کنندگی «حمید اعتباریان» صادر شد. براساس این گزارش با توجه به صدور پروانه ساخت این فیلم، مرحله انتخاب عوامل آن آغاز شد و به‌زودی جلوی دوربین خواهد رفت. حمید اعتباریان پیش از این به ایسنا گفته بود این فیلم جزء استثنایی‌ترین کارهایی است که بهرام بیضایی به نگارش درآورده است. او پیش‌بینی کرده بیش از یک‌ماه پیش تولید به‌طول بینجامد و سپس در شهریورماه طبق پیش‌بینی‌ها این فیلم جلوی دوربین برود.

■ **ساخت یک فیلم اقتباسی منتفی شد**

هفته گذشته که خبر ساخت نخستین فیلم محمد رحمانیان با عنوان «هفت زمین و یک آسمان» براساس داستان بلند «استخوان خوک و دست‌های جذامی» نوشته مصطفی مستور منتشر شد، اعلام کردیم پیش تولید این فیلم به رغم انصراف بنیاد سینمایی فارابی از خرید امتیاز اقتباس این داستان آغاز شده است. به نظر می‌رسد منصرف شدن فارابی از این اقتباس، ساخت فیلم «هفت زمین و یک آسمان» را هم منتفی کرده است. روز گذشته اعلام شد تهیه‌کننده، فیلمنامه‌نویس و کارگردان آن تقاضای خود برای صدور پروانه ساخت را پس گرفته‌اند. منوچهر محمدی و محمد رحمانیان طی مطلبی که در اختیار ایسنا قرار داده‌اند اعلام کرده‌اند: «امیدواریم بنیاد سینمایی فارابی از این پس با دقت و تدبیر لازم، نظرات خود را در مورد آثار ادبی که برای برگردان سینمایی مشخص می‌شوند اعلام کند.»

■ **نیکی کریمی تکذیب کرد**

نیکی کریمی به خبرنگار شرق گفت: «خبری که روز چهارشنبه در مورد تغییر نام فیلم جدید او از «گریز» به «چند روز بعد» منتشر شده بود در بخش‌هایی دچار ایراد بوده است.» در قسمتی از خبر عنوان شده بود که از دلایل تغییر نام فیلم، ژانر، ترجمه روان انگلیسی و انتخاب آن برای حضور در جشنواره‌ها است. نیکی کریمی این دلایل در تغییر نام فیلم را اشتباه خواند و تکذیب کرد. ما هم از اشتباهی که در تنظیم خبر صورت گرفته است از این کارگردان پوزش می‌طلبیم.

سینما

### آیت‌الله صانعی در رادیو از حقوق زنان و مردان می‌گوید

برنامه رادیویی «اندیشه‌ها» در نخستین قسمت به گفت‌وگو با آیت‌الله صانعی و موضوع برابری حقوق زنان و مردان اختصاص دارد. این برنامه که با هدف تبیین و تحلیل نظرات فقها، اندیشمندان و صاحب‌نظران کشور در شبکه گفت‌وگو تولید می‌شود، در نخستین نشست به تبیین اندیشه‌های آیت‌الله صانعی اختصاص یافته است. به گزارش ایسنا برنامه‌سازان رادیو گفت‌وگو معتقدند: از آنجا که مدتی است آیت‌الله صانعی مدرس حوزه علمیه و از مراجع تقلید، مسئله تساوی حقوق زنان و مردان را در دروس و مصاحبه‌ها مورد تاکید قرار داده بر این باور اصرار دارد که در آیات الهی و شریعت اسلام به جز دو مورد که یکی ارث است و در صحت آن جای بحث و تردید نیست و دیگری در طلاق (که آن را مسئله قابل بحث برشمرده است)، هیچ برتری برای مردان نسبت به زنان وجود ندارد. برنامه «اندیشه‌ها» با کارشناسی آیت‌الله صانعی، دکتر محمد جعفری هرندی و دکتر قاسم پورحسن در شبکه رادیویی گفت‌وگو تهیه و تولید شده و به زودی از این شبکه پخش می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برنامه‌های این شبکه را همه روزه از ساعت ۱۸ تا ۲۴ و بر روی موج FM، ردیف ۱۰۳/۹ مگاهرتز بشنوند.

رادیو

### در سالمرگ سهراب شهیدثالث

بهروز افخمی

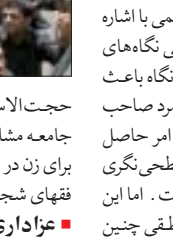

«یک اتفاق ساده» که اولین فیلم بلند «سهراب شهیدثالث» بود تا آنجا که به یاد دارم در اولین جشنواره بین‌المللی فیلم تهران به نمایش درآمد. آن زمان من ۱۵ ساله بودم و به کلاس‌های آموزش فیلمسازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌رفتم. فیلم را در سینما آزادی که تازه راه افتاده بود همراه با دو تا از مربی‌هایم در کلاس‌های کانون دیدم که اتفاقاً هر دو از همکاران سهراب شهیدثالث در وزارت فرهنگ و هنر بودند. «یک اتفاق ساده» فیلم غریب و ساکتی بود که با اعتماد به‌نفس ساخته شده بود و لحن ساده و محکم آن مرا به یاد داستان‌های چخوف می‌انداخت. اما من تازه داشتم اظهارنظر کردن درباره فیلم‌ها را یاد می‌گرفتم و آن‌قدر اعتماد به نفس نداشتم که با مربی‌هایم در این مورد جدل کنم. در واقع منتظر بودم که آنها اول اظهارنظر کنند و امیدوار بودم که مثل من از فیلم، خیلی خوششان آمده باشد. وقتی از سینما بیرون آمدیم، مربی‌هایم درباره ته‌مایه رنگ سبز در طول فیلم صحبت کردند و کلی شکایت و غرغر درباره اینکه «لابراتوار وزارت» چقدر بد کار کرده و چرا یک نسخه درست و حسابی از فیلم آماده نکرده و آن‌قدر این حرف‌ها را ادامه دادند که من کم‌کم فهمیدم آنها هیچ خیال ندارند درباره خود فیلم اظهارنظر کنند. شاید فیلم را کم اهمیت‌تر از آن می‌دانستند که درباره‌اش حرف بزنند و فکر نمی‌کردند که به عنوان یک فیلم داستانی جدی و قابل توجه در سطح سینمای دنیا مطرح بشود. در طول سال بعد فیلم «یک اتفاق ساده» در جشنواره‌های خارج از کشور نمایش داده شد و به‌تدریج کشف شد و اهمیتی را که لایقش بود پیدا کرد. سهراب شهیدثالث شروع کرد به تقلید کردن از خودش و مبالغه کردن در لحن آرام و مستحکم فیلم اولش و با همین مبالغه، فیلم‌های کم‌اهمیت و متظاهرانه‌ای ساخت که حالا دیگر یکی پس از دیگری به وسیله منتقدین و اهل فن در ایران تحویل گرفته می‌شدند و مورد تحسین قرار می‌گرفتند. گویا همه سعی داشتند جاماندن خود را از تشخیص اهمیت فیلم اول شهید ثالث جبران کنند اما با تحسین کردن زیاد از حد فیلم‌های بعدی او و بر فقدان قوه تشخیص خود تاکید می‌کردند. حکایت فیلمسازی که طور دیگری می‌بیند و خیال دارد طور دیگری فیلم بسازد در یک کشور کوچک و در یک جمع محدود مثلاً اهل فن همین است و غیر از این هم نمی‌شود انتظار داشت. اما من خاطره‌آن بندر مغموم و ساکت و آن می‌خانه دود گرفته را از یاد نمی‌برم و این را هم از یاد نمی‌برم که «یک اتفاق ساده» (بهترین فیلم سهراب شهیدثالث) هیچ‌وقت درست دیده نشد. در حالی که فیلم‌های بدی را که بعداً ساخت با تاکید بسیار و تبلیغات وسیع عرضه می‌کردند. انگار می‌خواستند بگویند که اگر آنها را دوست ندارید از سینما و هنر چیزی سرتان نمی‌شود.

یاد

### خاتمی: حضرت زهرا نمونه زن مسلمان

عزاداری روز پنجشنبه در میدان ولی عصر

سیدمحمد خاتمی رئیس مؤسسه گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها صبح پنجشنبه در مراسمی که به مناسبت شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) در موزه ملی قرآن برگزار شد، با تأکید بر جایگاه والای زن در دین اسلام و برابر بودن مقام زن با مرد، حضرت زهرا(س) را نمونه‌ای عینی و بارز از یک زن مسلمان و معیار کمال انسانیت معرفی کرد. خاتمی با اشاره به جایگاه ارزشمند زن در دین اسلام، به برخی نگاه‌های غیرمنطقی نسبت به زن اشاره کرد و گفت: این نگاه باعث شده است که زن با محرومیت‌هایی رو به رو و مرد صاحب امتیازاتی شود که زن از آن بی‌بهره می‌ماند و این امر حاصل نگاه مردانه به جامعه انسانی است که ناشی از سطحی‌نگری و بینش مادی نسبت به واقعیت‌های جامعه است. اما این پرسش مطرح می‌شود که آیا واقعاً از لحاظ منطقی چنین است؟ و آیا با نگاه عمیق‌تر به متون و سنت اسلامی به چنین امری می‌رسیم؟ آیا می‌شود در فرهنگ اسلامی یک زن، معیار کامل انسانی معرفی شود و این زن به لحاظ ارزش‌ها و توانایی‌ها پس از مرد قرارگیرد؟ حجت‌الاسلام خاتمی افزود: امروزه تحولات بسیاری در جامعه مشاهده می‌شود و مجتهدانی هستند که مقام بالایی برای زن در نظر گرفته‌اند. در طول تاریخ نیز چنین متفکران و فقهای شجاعی بوده‌اند که در این رابطه اظهار نظر کرده‌اند.

■ **عزاداری در میدان ولی‌عصر**

همچنین روز پنجشنبه، به مناسبت سوگواری حضرت فاطمه زهرا(س) مراسمی در میدان ولی‌عصر تهران برگزار شد. در این مراسم که شمار کثیری از مردم تهران حضور داشتند مداحان و سخنرانان با روایت گوشه‌هایی از زندگی حضرت زهرا(س) یاد دخت نبی‌مکرم اسلام را گرامی داشتند.

خبر روز

### چرا نباید ببینیم

**حسین معززی‌نیا**: کیفیت کار آلمانی‌ها در نمایش تلویزیونی مسابقات این دوره اصلاً مطلوب نیست. شاید بزرگ‌ترین غافلگیری جام هجدهم تا این لحظه همین باشد! در شرایطی که همه مطمئن بودند در این دوره جام جهانی علاوه بر تمهیدات گذشته، ابداعات جدید و جذابی را در کارگردانی مسابقات خواهیم دید، نه تنها نوآوری غافلگیر کننده‌ای دیده نمی‌شود، بلکه همان کیفیت پخش تلویزیونی جام ملت‌های اروپای دو سال قبل و یا نحوه پخش مسابقات هر ساله جام قهرمانان را در این چند روز ندیده‌ایم. به نظر می‌رسد عمده مشکل هم در انتخاب نماها و تقدم و تاخر پخش‌شان اتفاق می‌افتد و بی‌سلیقگی کارگردان‌هایی که بسیار کند عمل می‌کنند وگرنه وقتی نماهای اسلوموشن گل‌ها را می‌بینیم، مشخص است که تعداد دوربین‌ها و مکان استقرارشان مشکل چندانی ندارد. دلیل این نواقص که با وجود رو به پایان بودن جام همچنان ادامه دارد، هنوز بر ما معلوم نیست، اما این را می‌دانیم که عذاب این پوشش تصویری نامطلوب، در ترکیب با نحوه پخش شبکه سه خودمان به عذابی چند برابر و پیچیده‌تر تبدیل شده است. چند روز است که دارم به دلایل این نوع جرح و تعدیل‌هایی که متصدیان پخش انجام می‌دهند فکر می‌کنم و واقعاً سر درنمی‌آورم که با چه منطقی این اتفاقات رخ می‌دهد و چرا هیچ‌کس هیچ اعتراضی نمی‌کند. مگر ادعای مسئولین تلویزیون این نیست که لطف کرده‌اند و حق پخش این بازی‌ها را به قیمت گزافی خریده‌اند تا رضایت ما جلب شود و از تماشای این بازی‌ها لذت ببریم؟ و مگر این هزینه را از بودجه عمومی و رایج مملکت صرف نکرده‌اند تا اهالی همین کشور از تماشای یک دوره مسابقات فوتبال لذت ببرند؟ و مگر تحمل این همه آگهی‌های بی‌سابقه تجاری که به خاطر صرف همین هزینه گزاف از در و دیوار استودیوی پخش شبکه سه بالا می‌رود، آسان است؟ واقعاً تماشای مداوم این همه تبلیغات و این آدم‌های جوراجوری که هر دقیقه سر و کله‌شان پیدا می‌شود تا تبلیغ گوی طلایی و نقره‌ای و برنزی بکنند کافی نیست که آن وقت متصدیان پخش لازم می‌بینند این بلا را سرمان بیاورند و تصاویر مسابقات را به این شکل فجیع تکه پاره کنند؟ مگر جز این است که یک مسابقه فوتبال تشکیل می‌شود از آنچه در زمین مسابقه رخ می‌دهد به اضافه واکنش‌های آدم‌هایی که به عنوان تماشاگر دور تا دور آن زمین نشسته‌اند و واکنش‌های مربیان و واکنش‌های خود بازیکنان پس از پایان یافتن بازی؟ به مجموعه اینها می‌گویند فوتبال، نه آن چند نمای نزدیک یا دوری که از جریان بازی در زمین مسابقه نمایش داده می‌شود. اما «عزیزان زحمتکش» ما در شبکه سه ظاهراً اعتقادی به این اصل ندارند و می‌خواهند ثابت کنند که بهتر است تصاویر هر مسابقه‌ای یکی دو دقیقه بعد از شروع مسابقه دیده شود و چند ثانیه قبل از شنیده شدن سوت پایان هم قطع شود. بقیه‌اش ارزش دیدن ندارد. تماشاگران هم در کنار زمین حضور ندارند مگر در لانگ شات! در واقع، تماشاگران در نماهای دور تماشاگر هستند و در نماهای بسته «تماشاگرنما» و قابل حذف. تصویر اسلوموشن گل‌های بازی را هم باید ۳۰۰ دفعه دید تا ارزش‌های فنی هر گل را به تمامی درک کرد! در هر سه مسابقه تیم ملی کشورمان هم هیچ تماشاگری در استادیوم حضور نداشت و این چند ۱۰ هزار نفر ایرانی که می‌گفتند به استادیوم آمده‌اند، قبل از ورود خودشان را نامریی کرده‌اند تا دیده نشوند! واقعاً کسی هست درباره دلایل این نحوه سانسور فکر کند؟ یا این که عادت کرده‌ایم همه این تصاویر را حذف کنیم و هیچ وقت هم نپرسیم چرا. مشکل این تماشاگران حاضر در استادیوم‌ها چیست که نباید هیچ وقت دیده شوند؟ آن عزیزانی که نشسته‌اند پای دم و دستگاه پخش زنده و صلاح و مصلحت میلیون‌ها تماشاگر این مسابقات را تشخیص می‌دهند و نزدیک به ۲۰ درصد از تصاویر هر مسابقه را سانسور می‌کنند، فرصت می‌کنند گاهی اوقات به دلایل حذف هر کدام از این تصاویر فکر هم بکنند؟

تصویر جام

## تابستان فصل مرگ من است

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

ناسپاسان همین‌طور هستند که ما هستیم. یعنی مدام شاکی و خسته و بی‌حوصله و ناراضی از همه‌کس و هیچ‌کس؛ ناراضی از اوضاع سیاسی، خسته از روابط اجتماعی، گله‌مند از دوستان و رفیقان و خویشتن و شاکی از سرما و گرما و حتی اعتدال. ناسپاسان- چنان که در غر مدام به سر ببرند- همیشه باید در معرض آزار عواملی از درون و بیرون قرار بگیرند تا در تابستان چون ماهی افتاده بر شن باشند و در زمستان چون نفس حلاج بلرزند. . .

رفیق عزیز شفیقم، مرا متهم به ناسپاسی نکن که خود معترفم به ناسپاسی. شاید من هم می‌توانستم که آزار این گرما و تیزی بی‌دلیل این آفتاب دق را نبینم و به جای این همه نک و نال شاکر باشم و عاشق باشم بر همه عالم- بر گرما و سرما- «که همه عالم از اوست». اما چه کنم که از این گرما جز آزار چیزی بر تنم نمی‌نشیند و جز اشعه تیزی که اعصابم را دستکاری می‌کند و بی‌دلیل خونم را به جوش می‌آورد، شعاعی بر من نمی‌تابد. رفیق مهربان من، «آیین تقوا من نیز دانم/ لیکن چه چاره با بخت گمراه». . . بخت گمراه من چنان حجابی بر جسم و روحم کشیده که از این تابستان و گرما، چیزی جز اعصاب پریشان و بوی عرق پراکنده. در اتوبوس و تاکسی و مترو و شهر و مگس و پشه و تهرانی که روز به‌روز دارد- بی‌دلیل- گرم‌تر و شرجی‌تر می‌شود و این کولرهای آبی بی‌خاصیت و خراب و پرسر و صدا. . . نمی‌بینم و نمی‌فهمم.

مرد مومن، رفیق شفیق، تو را به خدا در این گرمای کسالت‌بار اگر مرا بعد از دو سه روزی- یا که دو سه هفته‌ای- می‌بینی در آغوش نکش و از خیر و ثواب مصافحه و معانقه بگذر. به همین دست دادن اکتفا کن که این گرمای لامصب از هر کدام ما منبع چرب و گر گرفته‌ای پر از بوی عرق آمیخته با دئودورانت و ادکلن ساخته که هیچ بعید نیست از برخورد ما موجودات بیگانه (Alien) از پس یقه‌هایمان سر برون کنند و یکدیگر را ببوسند. حیف چشم برزخی‌مان کور است وگرنه در این تابستان، در این خیابان‌های الکی شلوغ، چیزی جز موجودات بیگانه را نمی‌دیدیم که کت و شلوار پوشیده و آمیخته به مایعی سیاه و لزج که از چشم و لب و لوچه‌شان می‌چکد، با اتومبیل‌های کولردار، آپ اند داون می‌کنند و برای بعضی از مسافرین بوق و چراغ می‌زنند و اصرار می‌کنند که «عیش و نوش اتو استاپ زدن» را تجربه کنند. . .

تابستان، فصل مرگ من است. اما بیچاره آنها که برای تشییع نعش بوگرفته من مجبورند، زیر این آفتاب دق، با لباس سیاه- اما سفیدک زده- در ازدحامی بی‌دلیل، زیر این تابوت را بگیرند و با سرعتی غیرحساب شده جسمم را به کرم‌های میرفتاح‌خوار- که تابستان فصل عشرتشان رسیده- بسپارند و روحم را تقدیم نکیرین کنند که در جواب تک‌تک سئوالات‌شان متهم شوم. . . تابستان فصل مرگ من است، اما ای کاش در زمستان یا که پاییز، این روح شاکی و ناسپاس، از این بدن خسته و گریزان از گرما منتزع شوند. اگر رفیق شفیقی، بگو ان‌شاءالله.

## مجله

### خنده‌های کاغذی در فارسی
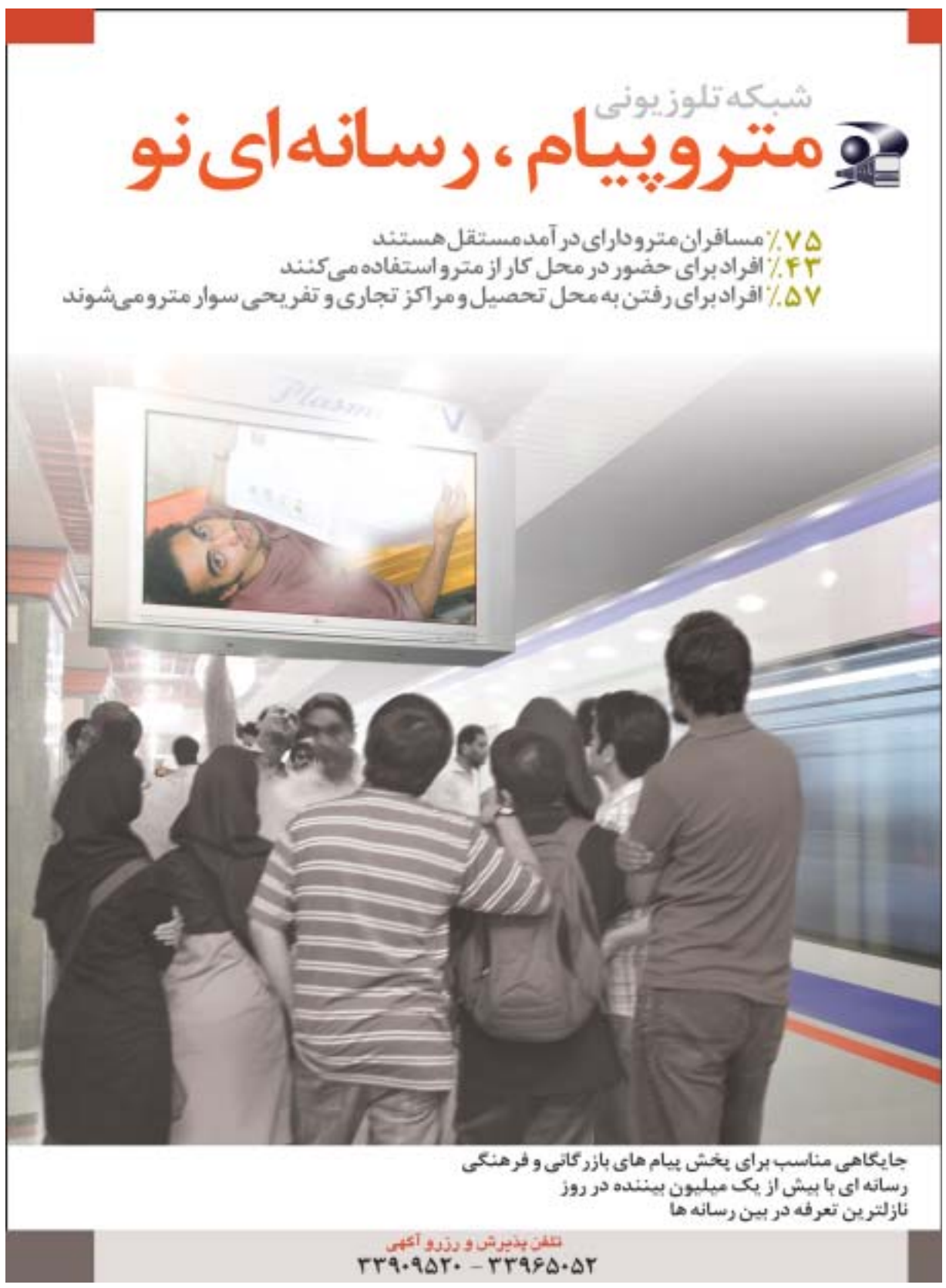
شماره سوم مجله خبری، تحلیلی فارسی منتشر شد. گفت‌وگو با اولین دختران آتش‌نشان، گزارشی از چهارمین نمایشگاه علمی تخصصی عینک تهران، نگاهی به نخستین کنفرانس بین‌المللی گردشگری و صنایع دستی، سد سیوند و آثار آن بر منطقه باستانی پاسارگاد، سفر به غار ۱۲۰ میلیون ساله‌ای که به علیصدر می‌رسد، جاذبه‌های میزبانی جام جهانی ۲۰۰۶، رای‌گیری تعیین بهترین شعر و قطعات راک و پاپ، جنون خرید در بازار تابلوهای معروف، در توصیف هنر نوشتن روی دیوارهای شهر، نکاتی درباره نمایشگاه عکس آنه ماری شوارتسنباخ در خانه هنرمندان، گفت‌وگو با آنتونیا برتشینگر، گفت‌وگو با رضا سیدحسینی، گفت‌وگوی مایکل بیلینگتن با هارولد پینتر، مرگ جین جیکونز نویسنده کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا، گفت‌وگو با سعید کنگرانی، فیلم یونایتد ۹۳ درباره حوادث یازده سپتامبر، معرفی فیلم‌های تابستانی هالیوود، به بهانه سفر مانوئل کاستلز استاد ارتباطات دانشگاه برکلی به ایران، گزارشی از تشخیص، پیگیری و درمان سرطان، آیا ماکروفر خطرناک است، گزارش مراسم تجلیل از غلامحسین شکوهی و. . . از جمله مطالب این شماره مجله فارسی است. این شماره را با قیمت ۱۰۰۰ تومان از روزنامه‌فروشی‌های معتبر بخواهید.